

بررسی رابطه نابرابری و ناآرامی‌های اجتماعی: ایران و کشورهای منتخب

یداله دادگر*

حسن محمودوند**

DOI: 10.22096/esp.2022.125080.1333

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۸

چکیده

پرداختن به پیوند اقتصادی ناآرامی‌ها و ریشه‌یابی آن در هر جامعه‌ای نیاز به بررسی عمیق دارد. کشورهایی که از ثبات سیاسی-اجتماعی بیشتری برخوردارند در رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی به‌طور نسبی موفق‌ترند و نابرابری و ناآرامی کمتری داشته‌اند. چگونگی فقر، نابرابری، بیکاری و آزادی‌های مدنی نقش قابل توجهی هم در پایداری سیاسی و هم در توسعه اقتصادی داشته‌اند. نابرابری موجب ناآرامی و آن موجب بی‌ثباتی اجتماعی-سیاسی می‌شود. بی‌ثباتی از سوی دیگر می‌تواند حقوق مالکیت را تهدید کند و اثر منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی داشته باشد. هدف این مقاله آن است که از چشم‌انداز نابرابری به شکل‌گیری ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی توجه کند. در آن ارتباط نابرابری و ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی برای ۵۳ کشور شامل ایران از میان دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته (۳۶ مورد) و کشورهای منا (۱۷ مورد) مورد آزمون قرار می‌گیرند. نتایج نشان می‌دهند نابرابری عامل مهمی در شکل‌گیری ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی بوده است. بی‌ثباتی‌های حاصل همچنین به‌طور غیرمستقیم موجب کاهش سرمایه‌گذاری و تهدید حقوق مالکیت می‌شود که در نهایت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.

واژگان کلیدی: نابرابری؛ پایداری اقتصادی؛ ناآرامی‌های اجتماعی؛ رشد اقتصادی.

طبقه‌بندی موضوعی: C44, D39, D74, H44

* استاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: y_dadgar@sbu.ac.ir

** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: hassan.mahmoodvand@gmail.com



۱. مقدمه

یک هدف این مقاله بررسی ریشه‌های اقتصادی ناآرامی‌های اخیر ایران و کشورهای منتخب است. ادعای این پژوهش، ارتباط معنادار ناآرامی‌ها با نابرابری اقتصادی است؛ البته به سبب ماهیت موضوع و درهم‌آمیختگی مسائل اقتصادی-اجتماعی در این بررسی عناصری چون حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری نیز تحت تأثیر ناآرامی قرار گرفته، درنهایت می‌توانند در فرایند رشد اقتصادی مؤثر باشند. نابرابری را می‌توان شامل نابرابری درآمد، نابرابری در ثروت، فرصت‌ها، نابرابری جنسیتی، نابرابری در شرایط آموزش، بهداشت و... دانست. به نظر آمارتیا سن^۱ نابرابری در عین سادگی بسیار پیچیده است؛ زیرا از یک سو خیلی زود احساس می‌شود؛ اما از سوی دیگر چنان عمیق است که اظهار نظرهای غیردقیق آن را مشکل‌آفرین می‌نماید. آمارتیا سن بر بهبود نهادهای دموکراتیک برای حل مشکل نابرابری تأکید می‌کند. به نظر استیگلیتز^۲ جوامع با نابرابری بالا کارآمد نیستند و در بلندمدت ناپایدارند و عملکرد نظام اقتصادی و سیاسی عامل ناآرامی‌های اجتماعی است. از نظر استیگلیتز بیکاری نیز عامل نابرابری است. نابرابری درآمدی منجر به نارضایتی می‌شود؛ چون در شرایط یاد شده افراد مطابق با بهره‌وری خود پاداش نمی‌گیرند. انباشت این نارضایتی‌ها ممکن است به صورت ناآرامی بروز کرده و منجر به بی‌ثباتی و ناپایداری شود. بی‌ثباتی و ناپایداری در یک جامعه می‌تواند به هرج و مرج، آسیب‌رسانی به حقوق مالکیت، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و سرانجام افزایش هزینه‌های عمومی برای جبران خسارت‌های مربوطه منجر شود.^۳

در این پژوهش برای بررسی نابرابری و پیوند آن با ناآرامی‌ها دو مدل برای کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای منطقه منا از جمله ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این رابطه شاید اعتراضات جلیقه‌زرها در فرانسه مهم‌ترین ناآرامی اجتماعی در اروپا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بوده باشد. این موضوع به فرانسه محدود نشده و در کشورهای دیگر نیز اعتراضاتی در برابر سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها صورت گرفته است. برخی مطالعات حرکت عمومی جلیقه‌زرها در فرانسه را یک جنبش ضدنابرابری اقتصادی عنوان می‌کنند و معتقدند ترکیب آن جنبش را طبقه‌های متوسط به پایین از قبیل کارگران و کارکنان بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل

1. Amartya Sen, *On economic inequality*, ed. James E. Foster (Oxford University Press, 1997).

۲. جوزف استیگلیتز، *بهای نابرابری*، ترجمه اسماعیل رئیسی (قم: نشر معارف، ۱۳۹۴).

3. Dipak Gupta, M. C. Madhavan, and Andrew Blee, "Democracy, economic growth and political instability", *The Journal of Socio-Economics* 27, (February 1998): 587-589; Peter S. Goodman, "Inequality fuels rage of 'yellow vests' in Equality-Obsessed France", *The New York Times* (2019).

می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد در این کشور در سه دهه گذشته میانگین درآمد یک درصد بالا درآمدی دو برابر شده، در حالی که میانگین درآمد ۹۹ درصد پایین جامعه ۲۵ درصد افزایش یافته است.^۴ گزارش‌ها مهم‌ترین دلایل ناآرامی‌های فرانسه را انباشت نارضایتی‌های ناشی از افزایش مالیات، لغو مالیات بر ثروت و افزایش مالیات اجتماعی می‌دانند. به نظر نگری^۵ متفکری که در زمینه جنبش‌های اجتماعی در اروپا تحقیقات زیادی انجام داده جنبش جلیقه‌زرها بیش از آنکه دنبال سرنگونی حکومت باشد، بیانگر خشم و مطالبات انباشته شده معترضان نسبت به دشواری‌های اقتصادی است. شواهد در برخی کشورها از جمله در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ در ایران نشان می‌دهد قشرهای مختلف اجتماعی از جمله حاشیه‌نشینان شهری حضور فعالی در این ناآرامی‌ها داشته‌اند. بسیاری از مفسران، اعتراضات خودجوش جلیقه‌زرها در فرانسه که بدون یک رهبری مشخص مطرح بود، با بهار عربی مقایسه می‌کنند؛^۶ اما در بهار عربی توده‌های مردمی در تونس، مصر، لیبی و... رهبران مستبد خود را سرنگون کرده‌اند.^۷ در کشورهای منطقه در دهه اخیر اعتراضات و ناآرامی‌هایی مثل بهار عربی اتفاق افتاده که در بعضی از کشورها مانند لیبی، مصر، سوریه، تونس، یمن، عراق و لبنان به شورش منجر شد. طی دهه گذشته، برخی دولت‌های منطقه به سوی آزادی‌های اقتصادی بیشتری روی آورده‌اند. کشورهایی مانند تونس، مصر و مراکش به خصوصی‌سازی، کاهش یارانه‌ها و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی تشویق شدند.^۸ در ایران نیز سیاست‌های تعدیل اقتصادی و اصلاح یارانه‌ها اجرا شده است. با وجودی اینکه سیاست‌ها منجر به بهبود برخی شاخص‌ها گردیده، در عین حال شکاف طبقاتی را افزایش داده است. در فرایند خصوصی‌سازی غیراستاندارد در این کشور، گروهی از وابستگان حکومت‌ها با استفاده از رانت اطلاعاتی نفع زیادی برده‌اند.^۹ در لبنان و عراق نیز اعتراضاتی صورت پذیرفته است. علت اعتراضات در عراق وجود فساد اقتصادی، ارائه خدمات ضعیف دولت و بیکاری عنوان

۴. در سال ۲۰۲۰ ده درصد ثروت‌مندترین‌های دنیا بالای ۸۲ درصد کل ثروت جهان را در اختیار دارند.

5. Negri.

۶. سیدمحمدعلی تقوی، «ریشه‌های بهار عربی و دومینوی فروپاشی رژیم‌های عرب»، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۳، شماره ۱۱ (آذر ۱۳۹۶): ۱-۲۶.

7. Kevin B. Anderson, "France's yellow vests: A self-mobilized mass movement with insurrectionist overtones", *Green Left Weekly* (2019): 25.

8. F. Gregory Gause, "Why Middle East Studies Missed the Arab Spring", in *Foreign Affairs* 90 (4) (2011): 81-90.

۹. امیر عظیمی دولت‌آبادی، علیرضا شجاعی زند، و سیداحمد موثقی گیلانی، «نقد رویکرد دموکراتیزاسیون و قرائت آن از تغییرات سیاسی جهان عرب»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۹ (اردیبهشت ۱۳۹۳): ۱۲۲.

شده است.^{۱۰} در لبنان اعتراضات به وضعیت اقتصادی و فساد اداری شده است. حدوداً یک‌سوم از جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند، در حالی که لبنان کشوری با درآمد متوسط است.^{۱۱}

ایران نیز با جنبش‌ها و ناآرامی‌هایی همراه بوده است. جنبش مشروطه با هدف ایجاد مجلس، تشکیل احزاب و آزادی اجتماعی شکل گرفت. در حکومت پهلوی روند صنعتی شدن کلید خورد و با گسترش زیرساخت‌ها، مهاجرت روستائینان به شهرها، گسترش شهرنشینی و شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر و طبقه متوسط، جنبش‌های اجتماعی در راستای اهداف اقتصادی توسعه یافت. در ادامه ناآرامی‌هایی در راستای تحقق عدالت اجتماعی و آزادی شکل گرفته‌اند که می‌توان به اعتراضات دی‌ماه ۹۶، اعتراضات کارگران هپکو، اعتصاب کامیون‌داران و کارگران نیشکر در سال ۹۷ و آبان ۹۸ اشاره کرد. به نظر کارشناسان این ناآرامی‌ها، ریشه اقتصادی داشته و بیشتر افراد شرکت‌کننده در آن افراد جوان با سن زیر ۳۵ سال بوده‌اند.^{۱۲} سخنگوی دولت نیز ریشه اصلی این ناآرامی‌ها را نابرابری در توزیع ثروت و درآمد عنوان کرده است.^{۱۳} می‌توان سن معترضان مربوطه را همساز با سن نوع خاصی از بیکاری با عنوان ان ای ای تی (2014) دانست که نه تنها بیکارند، به آموزش نیز اشتغال ندارند. برخی مطالعات اعتراضات ایران و اعتراضات جلیقه‌زدها در فرانسه را مشابه می‌دانند؛ اما با توجه به سطح بالای توسعه‌یافتگی در فرانسه نسبت به ایران این مقایسه دشوار است. اعتراضات در ایران بیشتر در شهرهای کوچک و دور از مراکز اصلی اتفاق افتاد. دلیل اعتراضات بیشتر نارضایتی‌های اقتصادی، کاهش دستمزد، افزایش بیکاری، فساد و سوء مدیریت بود. نکته مشترکی که در مورد این ناآرامی‌ها در نقاط مختلف وجود دارد، این است که عموماً از سوی طبقات پایین جامعه و بدون رهبری خاصی صورت گرفته‌اند. این مقاله کاوشی در ارتباط دادن ناآرامی‌های یادشده به نابرابری است.

10. Iraq, the protest movement country of origin Information Report, 2020, EASO: EASO COL Report Iraq Protest Movement October 2020

11. A new season of unrest in Lebanon (2019), ACLED): <https://acleddata.com/2021/05/12/a-new-season-of-unrest-in-lebanon/>

۱۲. مؤسسه رحمان، آتن خاموش، نگاهی به اعتراضات آبان (تهران: انتشارات مؤسسه رحمان، ۱۳۹۹).

13. <https://donya-e-qtasad.com/ماه-دی-اعتراضات-سیاه-جمعه-۶۴/۳۴۸۵۹۳۸-بخش-خبر-۶۴/۳۴۸۵۹۳۸-جمعه-سیاه-اعتراضات-دی-ماه/>

۲. مروری بر ادبیات موضوع، مبانی نظری و پیشینه

بر اساس برخی مطالعات آن دسته از سیستم‌های اقتصادی و سیاسی که به طور فزاینده‌ای به عدم تعادل منجر می‌شوند، رابطه‌ای مشکل‌آفرین را شکل می‌دهند. عدم تعادل‌های اقتصادی و سیاسی می‌توانند در نهایت به افزایش نابرابری منجر شوند. نابرابری‌ها و آشوب‌ها ارتباطی دوسویه دارند؛ یعنی در حالی که احساس نابرابری به عنوان یکی از عوامل آشوب مطرح است، همان احساس تا حد زیادی به وقوع آشوب وابسته است.^{۱۴} یکی از ادبیات در مورد نابرابری بازارهای مالی کم‌اعتبار است. این بازارها برای کمک به کم‌درآمدها می‌توانند مفید باشند. نرخ بهره وام در این بازارها پایین و مدت بازپرداخت آن بالا بوده است؛ بنابراین می‌توانند در کاهش نابرابری مؤثر باشند برو،^{۱۵} کابورن (۲۰۰۰)، بنرجی و نیومن،^{۱۶} بن گسن.^{۱۷} یک تئوری مرتبط با نابرابری تئوری اقتصاد سیاسی است. بر اساس این تئوری اگر میانگین درآمد جامعه بالاتر از درآمد طبقه‌ی متوسط باشد، اکثریت رأی‌دهندگان تمایل به بازتوزیع منابع از ثروتمندان به فقرا دارند و بنابراین از این طریق زمینه بازتوزیع فراهم می‌شود. در این صورت هم ثروتمندان مشارکت می‌کنند و هم دولت به بهبود وضع فقیران اقدام می‌کند. از منظر اقتصاد سیاسی اگر نابرابری کمتر باشد، زمینه بهبود بهره‌وری اقتصادی و پایداری سیاسی فراهم می‌شود؛ اما اگر نابرابری شدید باشد، زمینه بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی فراهم می‌شود.^{۱۸} نابرابری شکاف اجتماعی را افزایش و ثبات سیاسی را تهدید می‌کند؛ زیرا انگیزه شرکت فقرا در جرم و فعالیت‌های مخرب را ایجاد می‌کند که ثبات نهادهای سیاسی را به هم می‌ریزد. با وجود بی‌ثباتی انتظار می‌رود پایداری به قوانین دوام نداشته و عدم اطمینان افزایش یابد. همچنین منابع عمومی زیادی صرف مبارزه با ناآرامی‌های مربوطه می‌شود. در ناآرامی احتمال بالارفتن تقاضا برای تغییرات رادیکالی زیاد

۱۴. آمارتیاکومار سن، *نابرابری اقتصادی*، ترجمه وحید محمودی، و عزت‌الله عباسیان، ویراسته سیدمحمدحسن

مصطفوی (تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه مدرس، ۱۳۸۶): ۲؛

Claude Ake, "A definition of political stability", in *Comparative Politics* 7 (Online ISSN: 0010-4159, 1975), 271-283.

15. Barro (2002).

16. Banerjee and Newman (1993).

17. Bengtsson (2017).

18. Roberto Perotti, "Income distribution and investment", *European Economic Review* 38, (February 1994): 827-835; Alberto Alesina, and Roberto Perotti, "Income distribution, political instability, and investment", *European economic review* 40, (January 1996): 21.

می‌شود و احتمال خشونت توده‌ای در وضع توزیع ناعادلانه بیشتر خواهد شد. افزایش ناآرامی همچنین تهدیدی برای حقوق مالکیت به حساب آمده که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری، رشد و بهره‌وری می‌شود.^{۱۹} به نظر می‌رسد که جهت‌گیری نوبلیست‌ها به سوی حل فقر و نابرابری بی‌ارتباط با این روندها نباشد.^{۲۰}

نظریه پس‌انداز کینز هم می‌تواند کانال ارتباط نابرابری با رشد باشد؛ زیرا کینز معتقد است پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با افزایش درآمد افزایش می‌یابند. از سوی دیگر بازتوزیع منابع از ثروتمندان به فقرا، به کاهش پس‌انداز منجر می‌شود. در نتیجه در ظاهر افزایش نابرابری می‌تواند به افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بینجامد؛ پس سیاست‌گذاران با توجه به هزینه-فایده بین کاهش نابرابری و کاهش رشد تصمیم‌گیری می‌کنند. یک ارتباط دیگر نابرابری و رشد، نظریه کوزنتس^{۲۱} است. براساس آن بخش روستایی درآمد سرانه پایین و بیکاری بالا و بخش صنعتی-شهری درآمد سرانه بالا و بیکاری پایین دارند. درآمد بالای بخش صنعتی انگیزه مهاجرت به شهر ایجاد می‌کند و موجب انتقال نیروی کار از روستا به شهر می‌شود. با ادامه انتقال نیروی کار از بخش روستایی به بخش شهری نابرابری در نهایت کاهش می‌یابد. مورد دیگر رابطه بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی و حقوق مالکیت است. السینا و پروتی (۱۹۹۶) بی‌ثباتی را موجب نااطمینانی و نااطمینانی را موجب تضعیف حقوق مالکیت و کاهش سرمایه‌گذاری می‌دانند. در بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی و افزایش ناآرامی، احتمال سرنگونی حکومت بیشتر شده، در حفاظت از حقوق مالکیت نااطمینانی حاصل می‌شود. ناآرامی به شرکت فقرا در فعالیت‌های خشونت‌آمیز و کم‌توجهی به قانون منجر شده که نتیجه آن نیز تهدید حقوق مالکیت و کاهش سرمایه‌گذاری است.

درمقابل، افزایش دموکراسی منجر به افزایش ثبات می‌شود. بر اساس مطالعات مختلف حکومت‌های دیکتاتوری زودتر از حکومت‌های دموکراتیک سرنگون می‌شوند.^{۲۲} به نظر

19. Robert J. Barro, "Inequality and Growth in a Panel of Countries", *Journal of economic growth* 5, (February 2000): 5-32.

۲۰. نوبل اقتصاد ۲۰۱۹ به سه اقتصاددان (بنرجی، دافلو و کرمر) داده شد که روش جدیدی برای کاهش فقر تدوین کردند.

21. Kuznets.

22. Alesina, and Perotti, "Income distribution", 1203-1228.

رودریک^{۲۳} با وجود دموکراسی، سیاست‌های اقتصادی بر اساس رأی‌دهنده میانی تعریف می‌شود و تنش کاهش می‌یابد. برخی مطالعات دموکراسی را به عنوان بستر بازتوزیع و مانع ناآرامی می‌دانند (سن و فاستر ۱۹۹۷، مانتر^{۲۴} و همکاران ۱۹۹۹، آسموگلو و رایبسون ۲۰۰۰ و آزرگ^{۲۵} ۲۰۱۳). بر اساس السینا و رودریک (۱۹۹۴) رأی‌دهنده میانی می‌پذیرد که نابرابری رشد اقتصادی را به خطر می‌اندازد و رشد در فضاهاى دموکراتیک قابل دسترسی است. سرانجام حکمرانی خوب موجب کاهش ناآرامی و بهبود فرایند رشد می‌شود. حکمرانی بیانی از ایجاد و اجرای قوانین و ارائه مطلوب خدمات به شهروندان توسط حکومت است (کافمن و همکاران^{۲۶} ۲۰۱۱، فوکویاما^{۲۷}، ۲۰۱۳). در حکمرانی خوب، دولت پاسخگو است و رضایت شهروندان را جلب می‌نماید (یودین^{۲۸} و همکاران ۲۰۱۷، ویلیامز^{۲۹} ۲۰۰۹). در صورت حکمرانی خوب اعتماد جامعه به دولت بیشتر می‌شود و نابسامانی‌هایی نظیر فقر، بیکاری، تورم، بی‌ثباتی سیاسی و... نیز کاهش می‌یابد. با وجود حکمرانی خوب اگرچه ممکن است قیمت‌ها افزایش یابد، با شفاف‌سازی در مورد عملکرد اقتصادی، تبیین استراتژی مناسب برای کنترل تورم و توضیح دقیق علت افزایش قیمت برای مردم، دولت از تداوم تورم جلوگیری می‌کند (دادگر و نظری، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸)؛ بنابراین می‌توان از طریق متغیرهای تورم و بیکاری (و یا فلاکت به عنوان ترکیب آن دو) ارتباطی بین حکمرانی و ناآرامی‌های اجتماعی را بیان کرد؛ زیرا در موارد قابل توجهی وجود بیکاری و تورم شدید موجب اعتراضات و ناآرامی شهروندان شده است.

۳. پیشینه و مطالعات انجام شده

در ارتباط با ناآرامی‌ها و نابرابری اقتصادی مطالعات پراکنده و غیرمستقیمی صورت گرفته است؛ برای مثال براساس مطالعه پروین (۱۹۷۳) بخش بزرگی از ناآرامی‌ها ناشی از عوامل اقتصادی است. کران^{۳۰} و همکاران (۱۹۸۶) رابطه مثبت بین نابرابری و قتل را تأیید می‌کنند. بر اساس کار بارو (۱۹۹۱) نرخ رشد رابطه مثبت با ثبات سیاسی و رابطه منفی با اختلال بازار

23. Dani Rodrik. "Democracy and economic performance", Harvard University (December, 14, 1999): 9.

24. Muntaner.

25. Osberg.

26. Kaufmann, et al.

27. Fukuyama.

28. Uddin.

29. Williams.

30. Krahn.

دارد. بر اساس مطالعه گالور و زیر^{۳۱} (۱۹۹۳) توزیع اولیه ثروت بر سرمایه‌گذاری و تولید اثر می‌گذارد. السینا و رودریک^{۳۲} (۱۹۹۴) ارتباط منفی بین نابرابری درآمدی با رشد اقتصادی را تأیید می‌کنند. نتیجه کار السینا و پروتی (۱۹۹۶) ارتباط منفی نابرابری با سرمایه‌گذاری از طریق بی‌ثباتی سیاسی است. برو (۲۰۰۰) به این نتیجه می‌رسد که نابرابری رشد را در کشورهای در حال توسعه به تأخیر می‌اندازد؛ بر اساس کارآسموگلو و رابینسون^{۳۳} (۲۰۰۰) نخبگان به دلیل ترس از وقوع انقلاب دموکراسی را گسترش می‌دهند که نتیجه آن بازتوزیع بار مالیاتی است. بر اساس مطالعه کیفر و نک^{۳۴} (۲۰۰۲) نابرابری در توزیع درآمد و تنش‌های قومی حقوق مالکیت و قراردادهای را تهدید می‌کند و از این طریق رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. گلیسر و همکاران (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری فساد را گسترش می‌دهد. ساکیاسیان^{۳۵} (۲۰۰۷) بین نابرابری و رشد کشورهای مشترک‌المنافع رابطه منفی را اثبات می‌کند. بر اساس پژوهش کاروسو و اشنایدر^{۳۶} (۲۰۱۱) با ارائه مجموعه‌ای از فرصت‌های اقتصادی به افراد، تمایل آنها برای انجام فعالیت‌های تروریستی کاهش می‌یابد. بر اساس پژوهش دادگر و نظری (۲۰۱۴) بین حقوق مالکیت و رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد. نتیجه مطالعه اودین^{۳۷} و همکاران (۲۰۱۷) این است که ثبات سیاسی از طریق سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. فیتربا (۲۰۱۸) نشان داده است رابطه معناداری بین پایداری سیاسی و استراتژی شرکت‌ها وجود دارد. نتیجه کار متاکاس و افتری (۲۰۱۹) این است که در شرایط غیربحرانی، بین بیکاری و پایداری سیاسی به شکل دموکراتیک رابطه معناداری وجود دارد و مردم به احزاب سیاسی‌ای علاقه‌مند می‌شوند که حامی دموکراسی هستند. مطالعه پیران (۱۳۸۴) در ایران به این نتیجه رسیده است که روابط فقر و جنبش‌های اجتماعی پایدار باقیمانده است. نتیجه کار کیانپور (۱۳۹۳) این است که دولت ایران بدترین عملکرد را در حوزه ثبات سیاسی و حمایت از حقوق اختراع در منطقه منا را دارد. مطالعه مسعودنیا و دیگران (۱۳۹۴) به این نتیجه می‌رسد که ارتباطات بین‌المللی تأثیر زیادی

31. Galor and Zeira.

32. Alesina and Rodrik.

33. Acemoglu and Robinson.

34. Keefer and Knack.

35. Sukiassyan.

36. Caruso and Schneider.

37. Uddin.

در شکل‌گیری جنبش‌های شمال آفریقا داشته‌اند. نتیجه پژوهش حیدری و حسن‌زاده (۱۳۹۵) این است که ارتباط نابرابری و رشد به‌طور مطلق مثبت یا منفی نیست. کار حسین‌زاده (۱۳۹۶) به این نتیجه می‌رسد که رشد اقتصادی دارای تأثیر مثبت بر نابرابری است.

۴. تصریح مدل و متدولوژی پژوهش

۴-۱. معرفی اولیه

در این قسمت مدلی با سه معادله ارائه می‌شود تا ضمن بیان ارتباط نابرابری با ناآرامی‌ها اثر ناآرامی بر حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری نیز در کشورهای مورد مطالعه نشان داده شود. معادله اول یعنی ثبات سیاسی به صورت زیر است:

$$PS = F(GINI, MISERY, GDPP, MYS, PR, INV, DEM) \quad (1)$$

PS بیانگر ثبات سیاسی-اجتماعی بوده که تابعی از نابرابری درآمدی GINI، شاخص فلاکت، MISERY، درآمد سرانه GDPP، متوسط سال‌های تحصیل MYS، حقوق مالکیت PR، سرمایه‌گذاری INV و دموکراسی DEM در نظر گرفته شده است. معادله دوم یعنی حقوق مالکیت به صورت رابطه (۲) نشان داده شده است.

$$PR = F(PS, RULOW, CORRUP) \quad (2)$$

حقوق مالکیت PR، تابعی از ثبات سیاسی-اجتماعی PS، حاکمیت قانون RULOW و کنترل فساد CORRUP است. نکته قابل توجه در دو معادله بالا ارتباط دو سویه ثبات سیاسی اجتماعی و حقوق مالکیت است که به شواهد آن اشاره می‌شود. معادله سوم یعنی سرمایه‌گذاری به صورت زیر است:

$$INV = F(PR, RINTR, KS, GDPP) \quad (3)$$

که در آن سرمایه‌گذاری INV، تابعی از حقوق مالکیت PR، نرخ بهره حقیقی RINTR، موجودی سرمایه KS و درآمد سرانه GDPP است.

بنابراین تصریح همزمان معادلات خواهد بود:

$$PS = F(GINI, MISERY, GDPP, MYS, PR, INV, DEM)$$

$$PR = F(PS, RULOW, CORRUP)$$

$$INV = F(PR, RINTR, KS, GDPP)$$

برای طراحی این سیستم معادلات از مطالعات مهم برو (۱۹۹۱)، پرسون و تابلینی^{۳۸} (۱۹۹۱)، السینا و رودریک (۱۹۹۴)، السینا و پروتی (۱۹۹۶)، برو (۲۰۰۰)، آسم اوگلو و رایینسون (۲۰۰۰)، کیفر و نک (۲۰۰۲) استفاده شده است. مدل ارائه شده برای هر دو گروه از کشورها به صورت یکسان تصریح شده است؛ بنابراین می‌تواند امکان مقایسه بین مقادیر تخمین زده شده در دو گروه را فراهم آورد. در این مدل متغیرهای ثابت سیاسی-اجتماعی، نابرابری درآمدی به همراه دیگر متغیرهای مرتبط، به صورت لگاریتمی برای ۳۶ کشور توسعه یافته و ۱۷ کشور منطقه منا برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ برآورد شده است. در جدول (۱) منابع مورد استفاده متغیرهای مورد نظر آورده شده است.

جدول (۱) تعریف و منبع متغیرها و داده‌ها

متغیر	تعریف	منبع	منابع به کار گرفته شده
LPS	لگاریتم ثابت سیاسی	بانک جهانی	آسموگلو و رایینسون (۲۰۰۰)، السینا و پروتی (۱۹۹۶)، برو (۱۹۹۱)، پرسون و تابلینی (۱۹۹۱)، کیفر و نک (۲۰۰۰)، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴)، کیانپور (۱۳۹۳)
LGINI	لگاریتم ضریب جینی	فردریک سالت وابسته به منبع نابرابری جهانی	آسموگلو و رایینسون (۲۰۰۰)، السینا و پروتی (۱۹۹۶)، السینا و رودریک (۱۹۹۴)، برو (۲۰۰۰)، ساکیاسیان (۲۰۰۷)، کیفر و نک (۲۰۰۰)، گلیسر و همکاران (۲۰۰۳)
LMISERY	لگاریتم شاخص فلاکت (تورم+بیکاری)	بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول	برو (۲۰۰۰)، کاروسو و اشنایدر (۲۰۱۱)
LGDP	لگاریتم درآمد سرانه	بانک جهانی	السینا و پروتی (۱۹۹۶)، السینا و رودریک (۱۹۹۴)، برو (۲۰۰۰)، کیفر و نک (۲۰۰۰)، کاروسو و اشنایدر (۲۰۱۱)
LMYS	لگاریتم متوسط سال‌های تحصیل	سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)	السینا و پروتی (۱۹۹۶)، السینا و رودریک (۱۹۹۴)، بارو (۲۰۰۰)، پرسون و تابلینی (۱۹۹۱)، کیفر و نک (۲۰۰۰)، ساکیاسیان (۲۰۰۷)
DEM	دموکراسی	صلح سیستمی	آسموگلو و رایینسون (۲۰۰۰)، السینا و رودریک (۱۹۹۴)، برو (۲۰۰۰)
LPR	لگاریتم حقوق مالکیت	آزادی اقتصادی	کیفر و نک (۲۰۰۰)، السینا و پروتی (۱۹۹۶)
LRULOW	لگاریتم حاکمیت قانون	مجموعه داده گروه خدمات ریسک سیاسی، کتابخانه دانشگاه اوکلاهما	برو (۲۰۰۰)، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴)، کیانپور (۱۳۹۳)
LCORRUP	لگاریتم کنترل فساد	بانک جهانی	گلیسر و همکاران (۲۰۰۳)، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴)، کیانپور (۱۳۹۳)
LINV	لگاریتم سرمایه گذاری	صندوق بین‌المللی پول	السینا و پروتی (۱۹۹۶)، برو (۱۹۹۱)، کاروسو و اشنایدر (۲۰۱۱)
RINTR	نرخ بهره حقیقی	بانک جهانی	السینا و رودریک (۱۹۹۴)، پرسون و تابلینی (۱۹۹۱)، کاروسو و اشنایدر (۲۰۱۱)
LKS	لگاریتم موجودی سرمایه	صندوق بین‌المللی پول	السینا و پروتی (۱۹۹۶)

منبع: یافته‌های پژوهش

یک متغیر اصلی مورد بررسی این مقاله نابرابری است که می‌شود آن را به‌طور کلی عدم دسترسی افراد به فرصت‌های برابر دانست. نابرابری‌های اقتصادی شامل نابرابری درآمدی و نابرابری توزیع ثروت است. در اینجا از ضریب جینی به عنوان شاخص اندازه‌گیری نابرابری استفاده شده است. داده مربوط به نابرابری درآمدی از بانک جهانی (دبلیو ۳۹، ۲۰۲۰) و آی‌سی‌دی (۲۰۱۹) گردآوری شده است. بر اساس مطالعه استیگلیتز یک سیستم سیاسی که به سمت ثروت متمایل شده است و یک سیستم اقتصادی که به طور فزاینده‌ای به عدم تعادل قدرت سیاسی منجر می‌شود، رابطه‌ای خطرناک را میان سیاست و اقتصاد شکل می‌دهد ترکیب این دو می‌تواند به افزایش نابرابری منجر شوند (استیگلیتز، ۱۳۹۴: ۲۸). متغیر مورد بررسی دیگر دموکراسی است. منظور از دموکراسی این است که مردم درباره مسائل جامعه و نظم حاکم بر آن نقش داشته باشند. لیپست^{۴۰} (۱۹۵۹: ۱۰۵-۶۹) سه پیش شرط را برای برقراری دموکراسی ارائه می‌دهد: اول آموزش برای درک درست برنامه‌های سیاسی؛ دوم داشتن درآمد برای تقاضای دموکراسی؛ سوم جامعه مدنی توسعه یافته به صورتی که رأی‌دهنده خود را عضوی مؤثر بداند. می‌توان ارتباط بین دموکراسی و ثبات سیاسی-اجتماعی و دستاوردهای اقتصادی ناشی از آن را مثبت ارزیابی کرد. متغیر دیگر ثبات سیاسی است. ثبات سیاسی بیانگر شرایطی در یک جامعه است که ناآرامی‌های اجتماعی، ترور، اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشفتگی‌های اجتماعی، تنش‌های قومی و مانند آن وجود نداشته باشد (درینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). ثبات سیاسی به معنی یک محیط سیاسی قابل پیش‌بینی با ریسک پایین است که نتیجه آن عدم تهدید حقوق مالکیت و وجود زمینه جذب سرمایه‌گذاری است. زمانی که افراد با یک محیط نامطمئن سیاسی مواجه می‌شوند، تهدیدهایی برای حق مالکیت خود احساس می‌کنند. این امر انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و می‌تواند پیامدهایی مانند افزایش بیکاری به دنبال داشته باشد که خود به نامطمئن‌تر شدن محیط سیاسی منجر می‌شود.

شاخص‌های اندازه‌گیری ثبات سیاسی شامل خشونت، جرم و جنایت،^{۴۱} تنش‌های قومی و مانند آن است. از آنجا که بعضی از اجزای تشکیل دهنده ثبات سیاسی از قبیل خشونت و

39. WB.

40. Lipset.

۴۱. یدالله دادگر، و روح‌الله نظری، «بررسی تأثیر شاخص فلاکت بر جرم و جنایت در ایران»، مجله علمی-پژوهشی

تنش‌های قومی متغیرهایی مربوط به ناآرامی‌های اجتماعی هستند، می‌توان این شاخص‌ها را نماینده ناآرامی‌ها دانست. از دیگر متغیرهای مدل مورد بررسی این مقاله حقوق مالکیت است. حقوق مالکیت توانایی افراد و گروه‌های حقیقی و حقوقی برای حفظ مالکیت خصوصی است و توسط قوانین رسمی تأمین می‌شود. به نظر دمسنز (۱۹۷۴) حقوق مالکیت مشخص می‌کند که چگونه افراد ممکن است سود ببرند یا آسیب ببینند و چه کسی باید هزینه اقدامات دیگران را بپردازد. همچنین بهترین هدیه برای بازیگران اقتصادی، ضمانت از حقوق مالکیت و قراردادهای است.^{۴۲} داده‌های مربوط به این شاخص از مرکز بین‌المللی حقوق مالکیت استخراج شده و نمره مربوط به این شاخص برای هر کشور با توجه به ویژگی‌های حقوق مالکیت بین ۰ تا ۱۰۰ درجه‌بندی می‌شود.^{۴۳}

متغیر دیگر شاخص فلاکت است که اولین بار در سال ۱۹۶۰ توسط اوکان^{۴۴} ارائه شد و از جمع نرخ تورم و بیکاری به دست می‌آید. افزایش این شاخص پیامد شدید اقتصادی - اجتماعی و سیاسی برای یک کشور دارد. از داده‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ساختن این شاخص استفاده شده است (آی ام اف^{۴۵} ۲۰۲۰). متغیر دیگر، درآمد سرانه است که از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت در یک کشور به دست می‌آید. درآمد سرانه نمادی از ثروت و تا حدودی رفاه کشورها است. داده‌های مربوط به درآمد سرانه از بانک جهانی استخراج شده است. شاخص متوسط سال‌های تحصیل نیز متغیر دیگر مدل ما در این مقاله است. مطالعات نشان می‌دهند سطحی بالا از آموزش، ممکن است خشونت سیاسی را کاهش دهد^{۴۶} و کشورهایی که منابع بیشتری را صرف آموزش می‌کنند، از ثبات سیاسی بیشتری برخوردارند. این شاخص میانگین سال‌های تحصیل افراد ۲۵ سال و بالاتر در یک جامعه را نشان می‌دهد و می‌تواند نشان‌دهنده سرمایه انسانی باشد. داده‌های مربوط به این شاخص از یونسکو (۲۰۲۰) استخراج شده است. کنترل فساد متغیر دیگر مدل ما است. فساد زمانی رخ می‌دهد که افرادی از جایگاه حکومتی خود سوء استفاده‌هایی برای

42. Philip Keefer, and Stephen Knack, "Polarization, Politics and Property Rights: Links Between Inequality and Growth", *Public choice* 111, (February 2002): 127-154.

43. WIP, "world intellectual property rights", Geneva WIP publishers (2019).

44. Okun.

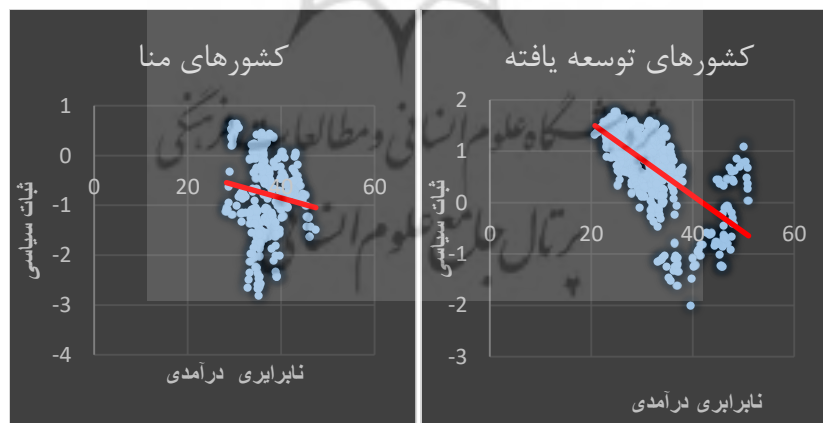
45. IMF.

46. Samuel P. Huntington, *political order in changing societies* (Yale University press, 1968).

منافع شخصی انجام دهند. میزان فساد بر ثبت قراردادها، انتقال مالکیت و اطمینان مردم نسبت به اجرای درست حقوق مالکیت اثر می‌گذارد. داده‌های این شاخص از بانک جهانی است. عدد مربوط به این شاخص بین ۰ و ۱ است و کشوری که عدد بالاتری به خود اختصاص دهد از نظر کنترل فساد دارای دارای وضعیت مطلوب‌تری است. متغیر دیگر حاکمیت قانون است که بر اساس آن تصمیمات حکومتی بر اساس قواعد حقوقی مدون انجام می‌شود. حاکمیت قانون می‌تواند از تصرف غیرقانونی اموال مردم توسط افراد و نهادهای حکومتی جلوگیری کند. (دبلیوجی پی ۴۷، ۲۰۲۰). این شاخص بین عدد ۱ و ۶ مرتب شده و کشوری که مقدار بالاتری از این شاخص را دارد از حاکمیت قانون بالاتری برخوردار است. سرمایه‌گذاری که متغیر دیگر مدل ما است، تخصیص بخشی از درآمد افراد برای خرید کالاهایی است که در حال حاضر مصرف نشده، اما در آینده مطلوبیت دارند. داده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری از صندوق بین‌المللی پول گردآوری شده است.

۲-۴. روابط آماری بین متغیرها و آزمون همجمعی

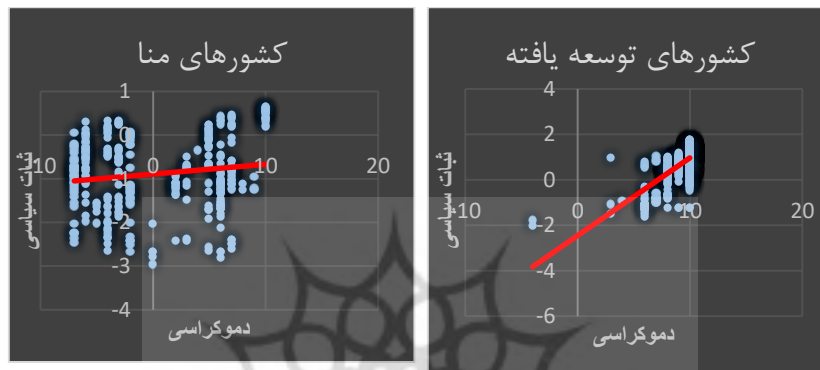
با توجه به مطالب قبلی انتظار همبستگی منفی بین نابرابری درآمدی و ثبات سیاسی وجود داشته و نمودار (۱) این همبستگی منفی را برای هر دو گروه از کشورهای منتخب نشان می‌دهد. این نتیجه با فرضیه‌های این مقاله نیز سازگار است.



نمودار (۱): همبستگی بین نابرابری درآمدی و ثبات سیاسی کشورهای منتخب ۱۹۹۶-۲۰۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین استدلال شد که دموکراسی منجر به افزایش ثبات سیاسی می‌شود (نورث ۱۳۷۷، لندا و کپستین^{۴۸} عظیمی، دولت آبادی ۱۳۸۷، بنی هاشمی ۱۳۹۴، آسموگلو و همکاران ۲۰۱۵، احمدی و معیدفر، ۱۳۹۴) در عین حال بر یک ترکیب از دموکراسی و اقتدارگرایی (انضباط مدیریتی) برای افزایش ثبات سیاسی تأکید شد. نمودار (۲)، همبستگی بین دموکراسی و ثبات سیاسی در کشورهای یادشده را نشان می‌دهد.



نمودار (۲): همبستگی بین دموکراسی و ثبات سیاسی کشورهای منتخب

منبع: یافته‌های پژوهش

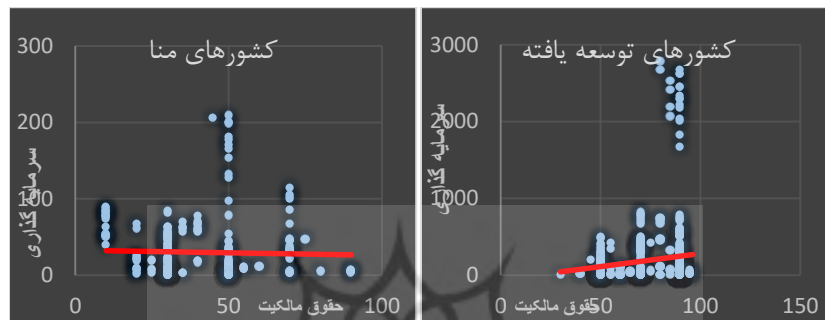
در این مقاله همچنین بر وجود ارتباط دوطرفه بین ثبات سیاسی و حقوق مالکیت تأکید شد. هر اندازه بی‌ثباتی افزایش پیدا کند، اطمینان مردم به حفظ مالکیت خصوصی‌شان کمتر می‌شود. نمودار (۳) همبستگی مثبت بین ثبات سیاسی و حقوق مالکیت را نشان می‌دهد.



نمودار (۳): همبستگی بین ثبات سیاسی و حقوق مالکیت کشورهای منتخب

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص حقوق مالکیت این احتمال را بررسی می‌کند که اموال خصوصی مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند یا نه. این شاخص استقلال قوه قضائیه، وجود فساد در آن و توانایی افراد برای اجرای قرارداد را ارزیابی می‌کند. انتظار همبستگی مثبت بین افزایش حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری وجود دارد و نمودار (۴) همبستگی مثبت بین حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری برای کشورهای توسعه‌یافته را نشان می‌دهد. این رابطه در کشورهای منافی با شیبهی خیلی کم است.



نمودار (۴) همبستگی بین حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری ۱۹۹۶-۲۰۱۷

منبع: محاسبات پژوهش

بررسی وجود همجمعی بین متغیرها: در این قسمت برای حل مشکل نا پایابودن برخی از متغیرها و وجود رگرسیون کاذب از آزمون همجمعی استفاده گردید. نتایج برای تک تک معادلات ارائه و نشان داده شد برآوردهای مدل از صحت لازم برخوردار است و مشکل رگرسیون کاذب وجود ندارد.

جدول (۲): جدول آزمون همجمعی معادلات مربوط به کشورهای توسعه‌یافته

معادلات	t آماره	احتمال
معادله اول	-3.4433	0.0003
معادله دوم	-3.1209	0.0009
معادله سوم	-5.2945	0.0000

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۳): آزمون همجمعی معادلات مربوط به کشورهای منا

معادلات	t آماره	احتمال
معادله اول	-1.9581	0.0251
معادله دوم	-2.8259	0.0024
معادله سوم	-2.5518	0.0054

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۴. شناسایی معادلات و برآورد مدل

برای اطمینان بیشتر به نتایج مقاله علاوه بر توضیح همبستگی، ارتباط بین متغیرها را با مدل اقتصادسنجی نیز آزموده‌ایم. با توجه به ارتباط متقابل برخی از متغیرها، برای برآورد معادله مورد نظر از روش معادلات همزمان، استفاده کردیم. یک بحث اساسی در ادامه قابلیت شناسایی معادله است تا امکان محاسبه ضرایب فرم ساختاری با استفاده از ضرایب فرم حل شده، بررسی شود. بر اساس قابلیت شناسایی، معادلات فرم ساختاری چنین تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. غیرقابل شناسایی یا نامشخص^{۴۹}: در این صورت امکان برآورد ضرایب ساختاری وجود ندارد.
۲. دقیقاً قابل شناسایی^{۵۰}: در این صورت امکان تعیین ضرایب ساختاری برحسب ضرایب فرم حل شده وجود دارد و برای ضرایب ساختاری جواب‌های منحصر به فردی به دست می‌آید.
۳. بیش از حد مشخص^{۵۱} که امکان تعیین ضرایب ساختاری وجود دارد، ولی برای ضرایب ساختاری بیش از یک جواب به دست می‌آید. جدول شماره (۴) نتایج مربوط به این آزمون برای هر دو گروه از کشورها را نشان داده است.

جدول (۴): نتایج مربوط به شرط درجه‌ای برای دو گروه کشورهای

توسعه یافته و کشورهای منا

معادله مورد نظر (برحسب متغیر وابسته)	تعداد متغیرهای از پیش تعیین شده خارج از مدل (K-k)	تعداد متغیرهای درون‌زا معادله مورد نظر منهای یک (m-1)	قابلیت تشخیص
معادله اول	$4 = (5-9)$	$2 = (3-1)$	بیش از حد مشخص
معادله دوم	$7 = (2-9)$	$1 = (1-2)$	بیش از حد مشخص
معادله سوم	$6 = (3-9)$	$1 = (1-2)$	بیش از حد مشخص

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول حاکی از برقراری شرط درجه‌ای مربوط به مدل معادلات همزمان است. شرط رتبه‌ای نیز زمانی تأمین می‌شود که هیچ ترکیب خطی بین ضرایب خارج از معادله مورد نظر وجود نداشته باشد جدول‌های (۵) و (۶) نشان می‌دهند شرط رتبه‌ای مدل برای کشورهای توسعه یافته و منا تأمین می‌گردد.

49 - under identified.

50 - Exactly identified.

51 . over identified.

جدول (۵): آزمون شرط رتبه‌ای مربوط به مدل کشورهای توسعه‌یافته

متغیر	λ	Lps	lpr	linv	lgini	lmisery	lmys	Lgdpp (-1)	dem	lrulow	lcorrup	rintr	k(1)
معادله اول	β_{10}	1	$-\beta_{12}$	$-\beta_{13}$	$-\gamma_{11}$	$-\gamma_{12}$	$-\gamma_{13}$	$-\gamma_{14}$	$-\gamma_{15}$	0	0	0	0
معادله دوم	β_{20}	$-\beta_{21}$	1	0	0	0	0	0	0	$-\gamma_{21}$	$-\gamma_{22}$	0	0
معادله سوم	β_{30}	0	$-\beta_{32}$	1	0	0	0	$-\gamma_{32}$	0	0	0	$-\gamma_{34}$	$-\gamma_{35}$

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۶): آزمون شرط رتبه‌ای مربوط به مدل کشورهای منا

متغیر	λ	Lps	lpr	linv	lgini	lmisery	lmys	Lgdpp (-1)	dem	Lrulow	lcorrup	rintr	k(-1)	D1	D2
معادله اول	β_{10}	1	$-\beta_{12}$	$-\beta_{13}$	$-\gamma_{11}$	$-\gamma_{12}$	$-\gamma_{13}$	$-\gamma_{14}$	$-\gamma_{15}$	0	0	0	0	$-\gamma_{16}$	$-\gamma_{17}$
معادله دوم	β_{20}	$-\beta_{21}$	1	0	0	0	0	0	0	$-\gamma_{21}$	$-\gamma_{22}$	0	0	$-\gamma_{23}$	0
معادله سوم	β_{30}	0	$-\beta_{32}$	1	0	0	0	$-\gamma_{32}$	0	0	0	$-\gamma_{34}$	$-\gamma_{35}$	0	0

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین آزمون‌های مربوط به معادلات همزمان برقرار شد و مشکلی برای تصریح مدل اقتصادسنجی این پژوهش وجود ندارد.

برآورد مدل و تحلیل نتایج: در این قسمت نتایج برآورد مدل برای هر دو گروه از کشورها نشان داده می‌شود (جدول ۷). ملاحظه می‌شود که فروض مطرح‌شده برای هر دو گروه از کشورها با نتایج تخمین سازگار است. نتایج به‌ترتیب برای کشورهای توسعه‌یافته (با شماره ۱) و منا (شماره ۲) مشاهده می‌شود:

جدول (۷): نتایج برآورد مدل

معادلات	معادله اول		معادله دوم		معادله سوم	
	lps		lpr		Linv	
	وابسته	مستقل	1	2	1	2
C	1.72 (7.33)	0.64 (0.87)	3.69 (37.97)	3.37 (27.08)	-1.78 (-7.30)	-2.46 (-12.29)
Lgini	-0.32 (-9.09)	-0.39 (1.70)*	---	---	---	---
Lmisery	-0.07 (-5.64)	0.01 (0.47)**	---	---	---	---
Lmys	-0.06 (-2.93)	0.09 (2.51)	---	---	---	---
Lgdpp(-1)	-0.04 (-2.30)	-0.16 (-3.27)	---	---	-0.17 (-6.25)	-0.018 (-0.78)**
Lpr	0.21 (3.20)	0.78 (5.36)	---	---	0.369 (3.50)	0.14 (2.47)
Linv	-0.015 (-4.58)	-0.02	---	---	---	---
Dem	0.069 (14.45)	0.01 (3.01)	---	---	---	---
Lps	---	---	0.28 (4.11)	0.15 (2.12)	---	---
Lrulow	---	---	0.20 (4.72)	0.46 (6.68)	---	---
Lcorrup	---	---	0.24 (9.13)	0.49 (6.79)	---	---
Rintr	---	---	---	---	-0.01 (-4.77)	-0.008 (-2.72)
Lks(-1)	---	---	---	---	0.97 (185.19)	1.001 (55.85)
D1	---	1.25 (5.41)	---	-1.50 (-23.14)	---	---
D2	---	-1.10 (-9.06)	---	---	---	---
R ²	0.55	0.44	0.36	0.75	0.98	0.94

علامت * نشان از معناداری در سطح ۱۰٪ می‌باشد.

علامت ** نشان از عدم معناداری متغیر مورد نظر می‌باشد.

۱: کشورهای توسعه یافته

۲: کشورهای منا

منبع: یافته‌های پژوهش

در معادله اول ثبات سیاسی- اجتماعی، تابعی از نابرابری درآمدی، شاخص فلاکت، متوسط سال‌های تحصیل، درآمد سرانه، حقوق مالکیت، سرمایه‌گذاری و دموکراسی است. رابطه منفی بین نابرابری و ثبات سیاسی- اجتماعی مورد انتظار است و نتیجه نیز با آن همخوانی دارد. در مدل مربوط به کشورهای توسعه یافته این فرض در سطح احتمال پنج درصد و در کشورهای منا در سطح احتمال ده درصد پذیرفته شده است. تورم و بیکاری یا فلاکت عوامل مهم در تعیین وضعیت معیشتی هستند. در جوامعی که بیکاری و تورم بالا است، احتمال بروز ناآرامی بیشتر است. نتیجه مدل کشورهای توسعه یافته با این فرض همسو است و فلاکت رابطه منفی با ثبات سیاسی- اجتماعی دارد (این متغیر در مدل کشورهای منا معنادار نشده است). طبق مطالعات السینا و پروتی (۱۹۹۶) و رودریک (۱۹۹۷) دیکتاتوری‌ها زودتر از دموکراسی‌ها با فروپاشی روبه‌رو می‌شوند. در مدل ما نیز رابطه مثبت بین دموکراسی و ثبات سیاسی- اجتماعی وجود دارد. کشورهای توسعه یافته که مشکل دموکراسی ندارند، بیکاری، نابرابری و ناآرامی کمتری دارند؛ اما کشورهای منا که مشکل دموکراسی و بیکاری دارند، دشواری‌های نابرابری هم دارند و بنابراین نتایج مدل قابل انتظار است. همچنین از نظر تئوری‌ها افزایش متوسط سال‌های تحصیل (نماد سرمایه انسانی) باعث افزایش ثبات سیاسی- اجتماعی می‌شود و کشورهایی که به سرمایه‌گذاری بیشتری در آموزش اقدام می‌کنند، از ثبات بالاتری برخوردارند؛ اما افزایش متوسط سال‌های تحصیل به معنی افزایش افراد تحصیل کرده است. حال چنانچه این افراد نتوانند شغل سازگار با تخصص خود به دست آورند، ممکن است این امر منجر به نارضایتی و ناآرامی شود. از برآورد مدل‌ها همچنین انتظار رابطه مثبت بین درآمد سرانه و ثبات سیاسی- اجتماعی وجود دارد؛ اما این رابطه منفی شده است. در این مورد می‌توان گفت در کشورهای توسعه یافته از آنجا که چرخه‌های تجاری و رونق و رکودهای اقتصادی اتفاق می‌افتد، مطابق با این چرخه‌ها خواست اجتماعی نیز متحول می‌شود؛ از این رو افزایش درآمد سرانه ممکن است منجر به خواست‌های اجتماعی جدید و به دنبال آن بروز مطالباتی جدید شود. در مورد کشورهای منا نیز برآورد مدل را می‌توان بر اساس نظریه نظم دسترسی محدود نورث^{۵۲} (۱۹۹۳) استدلال کرد. مطابق با این دیدگاه در کشورهای در حال توسعه برای حرکت به سمت نظم، تحولات اقتصادی باید همراه با تحولات سیاسی انجام پذیرد. کشورهایی که آزادی

سیاسی را همراه با آزادی‌های اقتصادی تجربه نمی‌کنند، ممکن است بی‌ثباتی بر آنها حاکم شود؛ از این رو در مدل کشورهای من رابطه درآمد سرانه با ثبات سیاسی منفی شده است (در تعداد زیادی از این کشورها آزادی اقتصادی با آزادی سیاسی همراه نیست). افزایش حقوق مالکیت به معنی ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال از یک سو و از طرف دیگر افزایش امنیت مالکیت افراد باعث کاهش تنش‌ها و ناآرامی می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد با بهبود حقوق مالکیت، ثبات سیاسی-اجتماعی نیز بهبود یابد. همچنین در مورد ارتباط سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی دو بحث مطرح است. اول اینکه سرعت رشد اقتصادی، کشورها را به سمت ثبات گرایش می‌دهد؛ رشد اقتصادی به معنی رفاه بیشتر، رضایت بیشتر و به دنبال آن ثبات سیاسی-اجتماعی بیشتر است. دوم دوره‌های با رشد زیاد ممکن است منجر به افزایش مطالبات اجتماعی-اقتصادی و کاهش ظرفیت ثبات سیاسی شود. نتیجه این مقاله در مورد کشورهای پیشرفته مطابق با فرضیه دوم است؛ ولی در مدل کشورهای من متغیر مورد نظر معنادار نشده است. به نظر می‌رسد دشواری فراوان کشورهای من باعث شده است هنوز دغدغه‌های سطح پایین توسعه را دارا باشند تا سطح پیشرفته و پیوند رشد اقتصادی و پایداری سیاسی.

در معادله دوم، حقوق مالکیت تابعی از ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد است. درجه ثبات سیاسی بر انگیزه افراد برای کسب مالکیت و گسترش آن اثر می‌گذارد. هرچه بی‌ثباتی بیشتر باشد، احتمال اینکه اموال مردم از مشروعیت قانونی برخوردار باشد کمتر است. افزایش بی‌ثباتی سیاسی منجر به افزایش نااطمینانی و تهدید حقوق مالکیت می‌شود که به دنبال آن سرمایه‌گذاری و بهره‌وری کاهش می‌یابد. این فرضیه نیز با برآورد مدل سازگار است و رابطه مثبت ثبات سیاسی و افزایش حقوق مالکیت تأیید می‌شود. همچنین حاکمیت قانون میزان اعتماد کارگزاران اقتصادی به قوانین جامعه را نشان می‌دهد. این قاعده میزان کیفیت اجرای قراردادها و عملکرد پلیس و دادگاه‌ها و... را نشان می‌دهد و اثر مثبتی بر بهبود حقوق مالکیت دارد. نتایج مدل همسو با این فرضیه‌اند. همین‌طور چگونگی فساد بر اطمینان مردم جهت اجرای قراردادها مؤثر است. هرچه میزان فساد بیشتر باشد، بخش بزرگی از گردش مالی در بخش غیررسمی صورت می‌گیرد و حقوق مالکیت خصوصی ضعیف‌تر است؛ از این رو بهبود کنترل فساد رابطه مثبت با تأمین حقوق مالکیت دارد که یافته‌های این پژوهش آن را تأیید می‌کنند.

در معادله سوم سرمایه‌گذاری تابعی از حقوق مالکیت، نرخ بهره حقیقی، موجودی سرمایه و درآمد سرانه است. در صورت تهدید حقوق مالکیت انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد؛ از این رو انتظار رابطه مثبت بین بهبود حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری وجود دارد و نتایج مدل برای هر دو گروه از کشورها این فرضیه را تأیید می‌کند. نرخ بهره یا هزینه قرض کردن پول رابطه منفی با سرمایه‌گذاری دارد؛ یعنی با کاهش هزینه قرض کردن پول، سرمایه‌گذاران انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری پیدا می‌کنند. نتایج مقاله همسو با این فرضیه است. متغیر دیگر موجودی سرمایه (در دوره قبل) است. سرمایه‌گذاری شامل سرمایه‌گذاری برای جبران استهلاک و سرمایه‌گذاری جدید است. هرچه موجودی سرمایه در دوره قبل بیشتر باشد، به سرمایه‌گذاری بیشتری در این دوره برای جبران استهلاک سرمایه نیاز است؛ از این رو انتظار رابطه مثبت بین موجودی سرمایه دوره قبل و سرمایه‌گذاری در دوره حاضر هست و برآورد مدل ما حاکی از تأیید این فرضیه است. درآمد سرانه دوره گذشته نیز به عنوان پشتیبان سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است. طبق نظریه کینز درآمد دوره قبل سبب افزایش تقاضای مؤثر و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری در این دوره می‌شود؛ بنابراین انتظار رابطه مثبت بین درآمد سرانه و سرمایه‌گذاری است؛ ولی این ضریب منفی شده است. می‌توان توضیح داد نابرابری بالا باعث می‌شود علی‌رغم افزایش درآمد سرانه تقاضای مؤثر افزایش نیابد و سرمایه‌گذاری نزولی شود و رابطه یادشده را توجیه کند.

۵. نتایج قابل ملاحظه

۱. نابرابری درآمدی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق عناصر آشکار دیگر به ناآرامی منجر می‌گردد؛ مثلاً موجب بی‌ثباتی سیاسی می‌شود که آن هم تهدید حقوق مالکیت و کاهش سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. در این مقاله به تحلیل این موضوع در کشورهای توسعه یافته و در کشورهای منطقه منا در حدود سه دهه گذشته پرداخته شده است.

۲. بر اساس یافته‌های این مقاله افزایش دو متغیر تورم و بیکاری یا میزان فلاکت می‌تواند هم به نابرابری و هم به بی‌ثباتی و ناآرامی دامن بزند.

۳. همچنین دموکراسی نقشی غیر قابل انکار در ایجاد ثبات سیاسی داشته است؛ بنابراین تقویت دموکراسی می‌تواند به بهبود رضایتمندی، کاهش ناآرامی، رشد و بهبود رفاه منجر شود.

۴. حقوق مالکیت که بازتاب‌دهنده کیفیت نهادی مانند حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و مبارزه با فساد است، در هر دو گروه از کشورها نقش تعیین کننده ای بر سرمایه‌گذاری و در نهایت بر رشد و پایداری داشته است.

۵. از این رو بر اساس یافته‌های این مقاله برای بهبود در پایداری سیاسی- اجتماعی و کاهش ناآرامی‌ها لازم است کشورهای منا از جمله ایران، از یک سو از نابرابری بکاهند و از سوی دیگر نهادهای مردم‌سالار را برای حفظ حقوق مالکیت تقویت کنند. کاهش شاخص فلاکت در این کشورها نیز می‌تواند به کاهش بی‌ثباتی منجر شود.



سیاهه منابع

الف - منابع فارسی:

- احمدی، حسین، و سعید معیدفر. «دموکراسی و ثبات سیاسی»، *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۶، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۷-۳۵.
- استیگلیتز، جوزف. *بهای نابرابری*. ترجمه اسماعیل رئیسی. قم: نشر معارف، ۱۳۹۴.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم. «انتخابات و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه مطالعات راهبردی*، ۱۸، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۴): ۱۳۹-۱۷۰.
- پیران، پرویز. «فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران»، *نشریه رفاه اجتماعی*، ۵، شماره ۱۸ (پاییز ۱۳۸۴): ۱۷-۶۲.
- تقوی، سیدمحمدعلی. «ریشه‌های بهار عربی و دومینوی فروپاشی رژیم‌های عرب»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۳، شماره ۱۱ (آذر ۱۳۹۶): ۱-۲۶.
- حسین‌زاده، هدایت. «تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا: رهیافت اقتصادسنجی فضایی»، *نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۲۵، شماره ۸۲ (تابستان ۱۳۹۶): ۲۲۳-۲۶۰.
- حیدری، حسن، و اکبر حسن‌زاده. «رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی ایران»، *نشریه رفاه اجتماعی*، ۱۶، شماره ۶۳ (زمستان ۱۳۹۵): ۸۹-۱۲۵.
- دادگر، بدالله، و روح‌الله نظری. «بررسی تأثیر شاخص فلاکت بر جرم و جنایت در ایران»، *مجله علمی-پژوهشی سیاست‌های اقتصادی*، ۲، شماره ۲۴ (دی ۱۳۹۲): ۶۳-۸۶.
- درینی، ولی محمد، هادی اسماعیل پورمقدم، و وحید دهباشی. «تجزیه و تحلیل بی‌ثباتی سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر تجارت بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۶، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۱۰۱-۱۱۹.
- سن، آمارتیاکومار. *نابرابری اقتصادی*. ترجمه وحید محمودی، و عزت‌الله عباسیان. ویراسته سیدمحمدحسن مصطفوی. تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه مدرس، ۱۳۸۶.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر. *منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر، علیرضا شجاعی زند، و سیداحمد موثقی گیلانی. «نقد رویکرد دموکراتیزاسیون و قرائت آن از تغییرات سیاسی جهان عرب»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۳، شماره ۹ (اردیبهشت ۱۳۹۳): ۱۱-۳۴.
- فقه مجیدی، علی، و فریبا اسلامی. «بررسی اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۹، شماره ۴ (آذر ۱۳۹۶): ۱۳۷-۱۶۴.
- کیان‌پور، سعید. «بررسی شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در ایران و کشورهای منطقه منا»، *نشریه رشد فناوری*، ۱۱، شماره ۴۱ (زمستان ۱۳۹۳): ۳۴-۴۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. *شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۴ و اندازه‌گیری شاخص برای ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌ها، شماره ۱۴۵۶، ۱۳۹۴.

مسعودنیا، حسین، مریم هوشیارمنش، و سمیه قارداشی. «ناراضایتی اقتصادی و جنبش‌های معاصر خاورمیانه براساس نظریه محرومیت نسبی»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام ۳، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴): ۶۳-۸۸.

مؤسسه رحمان، آنتن خاموش، نگاهی به اعتراضات آبان. تهران: انتشارات مؤسسه رحمان، ۱۳۹۹.

نورث، داگلاس. انواع نظم دسترسی محدود در جهان در حال توسعه. ترجمه فرشاد مؤمنی، و محیا الله‌قلی. تهران: مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۳۸۶۳، ۱۳۹۳.

نورث، داگلاس. نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه محمدرضا معینی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.

ب- منابع لاتین:

Acemoglu, Daron, and James Robinson. "Why did the West extend the franchise?", *The Quarterly Journal of Economics* 115, Online ISSN: 1556-5068 (November 2000): 1167-1199.

Acemoglu, Daron, Pascual Restrepo, James Robinson, and Suresh Naidu. "Democracy, redistribution, and inequality", *Handbook of income distribution* 2, Online ISSN: 1556-5068 (January 2015): 1885-1966.

Ake, Claude. "A definition of political stability", *Comparative Politics* 7, Online ISSN: 0010-4159 (January 1975): 271-283.

Alesina, Alberto, and Dani Rodrik. "Distributive politics and economic growth", *The quarterly journal of economics* 109, (May 1994): 465-490.

Alesina, Alberto, and Roberto Perotti. "Income distribution, political instability, and investment", *European economic review* 40, (January 1996): 1203-1228.

Anderson, K. B. "France's yellow vests: A self-mobilized mass movement with insurrectionist overtones", *Green Left Weekly* (2018). <https://imhojournal.org/articles/the-french-yellow-vests-a-self-mobilized-mass-movement-with-insurrectionist-overtones/>

Banerjee, Abhijit V., and Andrew F. Newman. "Occupational choice and the process of development", *Journal of political economy* 101, (April 1993): 274-298.

Barro, Robert J. "Economic growth in a cross section of countries", *The quarterly journal of economics* 106, (February 1991): 407-443.

Barro, Robert J. "Inequality and Growth in a Panel of Countries", *Journal of economic growth* 5, (February 2000): 5-32.

Bengtsson, Erik. "Inequality and the working class in Scandinavia 1800-1910: Workers' share of growing incomes", *Economic History Research* 13, (July 2017): 180-189.

Caruso, Raul, and Friedrich Schneider. "The socio-economic determinants of terrorism and political violence in Western Europe", *European Journal of Political Economy* 27, (December 2011): 37-49.

- Coburn, David. "Income inequality, social cohesion and the health status of populations", *Social science & medicine* 51, (August 2000): 135-146.
- Dadgar, Yadollah, and Rohollah Nazari. "Property Rights and economic growth in selected countries: an empirical study", *34th Annual Meeting of the Middle East Economic Association (MEEA)*, Philadelphia, January 3-6 (January 2014).
- Dadgar, Yadollah, and Rohollah Nazari. "The impact of economic growth and good governance on misery index in Iranian economy", *European Journal of Law and Economics* 45, (April 2018): 175-193.
- Demsetz, Harold. "Toward a theory of property rights", *Classic papers in natural resource economics*, (January 1974).
- EASO, Iraq, the protest movement, country of origin information report (2020): *EASO COI Report Iraq Protest Movement October 2020*.
- Fitraia, A, "corporate strategy", *RJoas* 10(2018): 104-112.
- Fukuyama, Francis. "What is governance", *Governance* 26, *Center for Global Development Working Paper*, no. 314 (2013): 347-368.
- Galor, Oded, and Joseph Zeira. "Income distribution and macroeconomics", *The review of economic studies*, 60, (February 1993): 35-52.
- Gause III, F. Gregory. "Why Middle East Studies Missed the Arab Spring", *Foreign Affairs* 90, (July 2011): 81-90.
- Glaeser, Edward, Jose A. Scheinkman, and Andrei Shleifer. "The injustice of inequality", *Journal of Monetary Economics* 50, (September 2003): 199-222.
- Goodman, Peter S. "Inequality fuels rage of 'yellow vests' in Equality-Obsessed France", *The New York Times* (2019).
- Gupta, Dipak, M. C. Madhavan, and Andrew Blee. "Democracy, Economic Growth and Political Instability: An Integrated Perspective", *The Journal of Socio-Economics*, 27, (February 1998): 587-589.
- Huntington, Samuel P. *political order in changing societies*, Yale University press, 1968.
- IMF. "The tragedy of unemployment", Washington DC, IMF publishers (2020).
- Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Massimo Mastruzzi. "The worldwide governance indicators", *Hague Journal on the Rule of Law* 3, (April 2011): 220-246.
- Keefer, Philip, and Stephen Knack. "Polarization, politics and property rights", *Public choice* 111, (March 2002): 127-154.
- Krahn, Harvey., Timothy F. Hartnagel, and John W. Gartrell. "Income inequality and homicide rates: Cross-national data and criminological theories", *Criminology* 24, (March 1986): 269-294.
- Landa, Dimitri, and Ethan B. Kapstein. "Inequality, growth, and democracy", *World Politics* 53, (2001): 264-296.
- Lipset, Seymour Martin. "Some social requisites of democracy: Economic development and political legitimacy", *American political science review* 53, (March 1959): 69-105.

- Matakos, Konstantinos, and Dimitrios Xefferis. "Economic in security and political stability", *Oxford economic papers*, Doi, 10, 1093 (2019).
- Muntaner, Carles, John Lynch, and Gary L. Oates. "The social class determinants of income inequality and social cohesion", *International Journal of Health Services* 29, (November 2020): 699-732.
- OECD (2022), Income inequality (indicator). doi: 10.1787/459aa7f1-en (Accessed on 04 August 2022)
- Osberg, Lars. "Instability implications of increasing inequality: Evidence from North America", *Economic Modelling* 35, (September 2013): 918-930.
- Parvin, Manouchehr. "Economic developments of political unrest", *Journal of conflict resolution* 17, (1973): 271-296.
- Perotti, Roberto. "Income distribution and investment", *European Economic Review* 38, (February 1994): 827-835.
- Persson, Torsten, and Guido Tabellini. "Is inequality harmful for growth? Theory and evidence" In *NBER press*, (January 1991).
- Rodrik, Dani. "Democracy and economic performance". Harvard University (December, 14, 1999): 707-38.
- Rodrik, Dani. "Where did all the growth go? External shocks", *social conflict, and growth collapses. Journal of economic growth* 4, (July 1999): 385-412.
- Sen, Amartya, and James E. Foster. *On economic inequality*, Oxford University Press, 1997.
- Sukiassyan, Grigor. "Inequality and growth", *Journal of comparative economics* 35, (2007): 35-56.
- Uddin, Md Akther, Md Hakim Ali, and Mansur Masih. "Political stability and growth", *Economic Modelling* 64 (May 2017): 610-625.
- UNESCO. "Global education meeting", Geneva, UNESCO publishers (2020). <https://en.unesco.org/sites/default/files/gem2020-extraordinary-session-background-document-en.pdf>.
- WB. "Poverty and shared prosperity", Washington DC, World Bank publishers (2020). https://www.google.com/books/edition/Poverty_and_Shared_Prosperty_2020/GRoMEAAAQBAJ?hl=en.
- Williams, G. "Good Governance", In R. Kitchen and N. Thrift (eds), *International Encyclopedia of Human Geography*. London: Elsevier (2009): 606-14. World Bank (1989) Sub-Saharan Africa. From Crisis to Sustainable Growth: A Long-Term Perspective Study, Washington, DC: World Bank.
- WIP. "World intellectual property rights", Geneva WIP publishers (2019). https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_941_2019.pdf
- WJP. "Rule of Law Index", World Justice Project (2020): https://worldjusticeproject.org/sites/default/files/documents/WJP-ROLI-2020-Online_0.pdf.